

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ اگست ۲۰۲۳

بیره زما واکي دی ملا!!

یکشنبه- ۱۵ اسد ۱۴۰۲ - کابل: ضرب المثلی را که عنوان این مطلب انتخاب نموده ام، یکی از پر معنا و پر مفهوم ترین ضرب المثل هائیت که می توان در زبان های فارسی، پشتو و چه بسا برخی از زبانهای دیگر یافت. این ضرب المثل که به نظر من بار فلسفی آن را خودشناسی فرد و رابطه وی را با اجتماع هدف قرار می دهد، از این واقعیت آغاز می یابد که هر انسانی به مثابه یک جسم زنده علی رغم آن که یک موجود اجتماعی است و می باید در مناسبات اجتماعی با دیگران و کلیت جامعه، موازین مورد قبول جامعه را مراعات نماید، حریم شخصی و خاصی را نیز دارا می باشد که هیچ کس حق ندارد زیر نام جامعه آن حریم را نادیده بگیرد و آزادی انسان را در اجراء و چگونگی عمل به آن سلب نماید. از جمله این که انسان ریش می گذارد و یا می تراشد، موی سرش را دراز می گذارد و یا کوتاه، بالا شانه می زند و یا پائین، در چه نوع نشستن و یا خوابیدن خود را راحت احساس می نماید و در کدام نوع ناراحت و ده ها مورد دیگر از این قبیل مسایلی اند که به خود شخص تعلق می گیرد، نه ضررش- اگر داشته باشد- به جامعه می رسد و نه هم مفادش.

در همین جای بیجا نخواهد بود قبل از آن که تشبثات ضد انسانی و محدود کننده آزادی ها و حقوق شخصی را در نظام ملاسالار ببینیم، قبل از آن مکث مختصری بر یکی از عادات زشت و ناپسند اکثر آقایان در جامعه مردسالار ما نیز نمایم. احتمالاً شما هم در زندگانی روزمره تان در اکثر خانواده ها متوجه شده باشید که وقتی پسر و دختری حتا در سطوح به اصطلاح روشنفکری با هم نامزد و ازدواج می نمودند، هر گاه دختر چه در زمان نامزدی، به خصوص بعد از ازدواج می خواست موی سرش را کوتاه نماید و یا شکل آرایش خو را تغییر دهد، پسر ویا مرد خانواده که خود را در فرهنگ مردسالار جامعه صاحب زن در کلیت آن می دانست و از آن جمله موی و طرز آرایش زن را نیز "حق" خود می دانست حتا در برخی موارد کارش به قهر و ابراز خشونت می کشید که چرا زن مثلاً مویش را کوتاه نموده ویا ابروی پهنش را به سبک یکی از مود ها، به مانند تار نازک چیده است.

وقتی در چنین مواردی دعوا و جنجال زیاد می شد، باز هم با تأسف در اکثر فامیل ها کمتر کسی پیدا می شد که به مرد بگوید به "تو چه، مویش دلش!" بلکه حتا هوشیارترین و به اصطلاح روشنفکرترین افراد جهت ختم منازعه، با زیر پای کردن "حق انحصاری" دختر ویا زن، مشوره می دادند که باید چنین تصامیمی مشترکاً گرفته شود. هر چند چنین

مشوره ای ظاهراً برای حل منازعه نسخه‌ مثبتی به شمار می‌ رفت مگر در واقعیت، حق انحصاری زن را بر موی و ابرویش زیر پای می‌ نمود.

بر گردیم به بحث انحصار طلبی‌ های نظام ملاسالار!

هرگاه به خاطرتان مانده باشد، در همان آغاز گماشته شدن طالب به حاکمیت و قبل از آن که آنها قیوداتی را مقابل "گلبدین" برای امامت نماز جمعه و ضمناً ایراد خطبه‌ ها وضع نمایند، به گفته‌ یکی از دوستان که این قلم را دوستانه انتقاد نمود و گفت با تذکر این که نماز های جمعه در اساس نماز سیاسی-عبادی است که ایراد خطبه می‌ باید نیات، اهداف، آمال و سیاست های حاکمیت را برای مستمعان خودش توضیح و تشریح دارد و از آن طریق نمازگزاران، اقتداکنندگان و شنوندگان خطبه‌ هایش را برای حاکمیت تربیت نماید "کم فروشی را به یاد بقال داده‌ ای" و دیری نخواهد گذشت که طالب با فتح منابع تمام مساجد، ملا ها و ادار خواهد ساخت تا مساجد را به تربیون تبلیغات سیاست های شان مبدل بسازد.

گذشت حدود دو سال نشان داد که هم برداشت من از نماز جمعه و سیاسی-عبادی اعلام داشتن آن درست بود و هم پیشبینی دوستان که "کم فروشی را نباید یاد بقال داد". چه در طی این مدت همه شاهدیم که طالب با گذشت هر روزی تلاش می‌ ورزد برداشتی را که خودش از اسلام و اسلامیت و در مجموع چیزی به نام "فرهنگ اسلامی" دارد با زور سرنیزه و تفنگ بر قاطبه‌ مردم افغانستان تطبیق بدارد. یکی از آن موارد همان ریش گذاشتن افراد است.

طالب و نظام ملاسالار که از جامعه‌ افغانستان شناخت کافی داشت و دارد، نخست تطبیق فرهنگ عقب مانده و ضد انسانی اش را از ایجاد قیوداتی بر زنان آغاز نمود، در آن زمان مردان جامعه که هر یک به اندازه های متفاوتی در درون خودش "طالبیسم" را حمل می‌ نمود، نه تنها علیه آن قیودات صدایش را بلند نکرد و زنان را در میدان مبارزه علیه طالب تنها و بدون حامی گذاشت بلکه تعدادی از آنها احتمالاً نزد خود خوشحال هم بودند که طالب به کمک آنها شتافته و مردسالاری را در جامعه تحکیم بخشیده است، به محض آن که کارش با زنان خاتمه یافت و حتا آرایش و پیرایش چهره و رخسار را نیز بر آنها حرام اعلام داشت تا چه رسد به فعالیت های اجتماعی، از هفته‌ گذشته بدین سو به اساس گفته‌ آنهایی که هنوز با جهت ادای یک فریضة دینی و یا هم از ترس طالب، نماز جمعه را ترک نکرده اند، شروع کرده اند به این که در یک کشور اسلامی مردان نیز می‌ باید از دور "متشرع" و "ظاهر الصلاح" به نظر بیایند و این دو را در گام نخست در گذاشتن ریش، بستن عمامه و پوشیدن کدام نوع لباسی مشخص نموده اند.

در همین مقطع به آن عده از مردانی که فکر می‌ کردند طالب فقط زنها را تابع می‌ سازد و به مردان کار ندارد، هم چشم روشنی و هم سرسلامتی بدهم که طالب با عنوان کردن اصل "ظاهر الصلاح" و "متشرع" نمایش دادن و گذاشتن ریش، تازه شروع کرده است تا آنها را نیز به غل و زنجیر ریش ببندد، این که بعد از این چه خواهد کرد و آیا تنها به اندازه کردن ریش مردان با شیشه‌ الیکین اکتفاء خواهد نمود و یا خیر، آینده نشان خواهد داد. نمی‌ خواهم "سیاه زبانی کرده شگون بد بزنم" و یا باز هم "کم فروشی را یاد بقال بدهم".

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی-طالبی به صورت خاص می‌ باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

*- یادداشت: از تمام نویسندگانی که کلمه "زیره" را به اساس تلفظ مناطق جنوبی و مشرقی با حرف "گ" و "گیره" می‌ نویسند، صمیمانه تقاضا می‌ نمایم که من بعد چنین اشتباهی را مرتکب نگردند زیرا کلمه "گیره" در زبان پشتو به بادی که از مقعد در هنگام اسهال بیرون می‌ شود و همراه با صدای "پلق و پلوق" است، گفته می‌ شود- ع. ق.